

رسالة محمد

دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع پایان نامه

عوامل مؤثر بر تحولات سیاسی - اقتصادی قطر از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۱۰ میلادی

استاد راهنما:

دکتر اصغر جعفری ولدانی

استاد مشاور:

دکتر حسین سلیمی

نگارش:

حسین زینی وند

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته مطالعات منطقه‌ای (خاورمیانه و شمال آفریقا)

تیر ماه ۱۳۹۱

تقدیم بہ:

پدرم؛ آسمانی روحی کہ ترجمان انسانیت بود

مادرم؛ آموزگار مہرورزی و ایثار

ہمسرم؛ اسطورہ زندگی و امید بودم

پاسکزاری

پاس خداوندی که در همه حال لطف و عنایتش را شامل عالم نمود که اگر لطف و عنایت بی‌پایانش نبود همانا توفیق تحصیل و علم آموزی نصیب این حقیر نمی‌شد.

درد بی‌پایان بر کلیه اساتیدی که افتخار شاگردی آنان نصیبم گردید به ویژه استاد فرزانه جناب آقای دکتر جعفری ولدانی که هماره تحصیل و در مراحل نگارش پایان نامه به عنوان استاد راهنما مرا از همکاری و راهنمایی‌های شفقانه خود بهره‌مند نمودند، استاد فریخته جناب آقای دکتر سلیمی که اوقاتی فراتر از یک استاد مشاور را صرف راهنمایی و مشاوره پایان نامه این جانب نموده و مرا مرهمون لطف و سعادت خود نمودند، استاد ارجمند جناب آقای دکتر آجیلی که صادقانه و دل‌سوزانه زحمات داورانی پایان نامه این جانب را به عهده گرفتند. همچنین از اساتید گرامی جناب آقایان دکتر دهقانی فیروزآبادی، دکتر چکنی زاده و دکتر شیار پاسکزاری می‌نمایم که حق اسادی این بزرگواران، همواره بردوش این جانب سنگینی نخواهد نمود.

سلام و رحمت بی‌پایان بر روح بلند و با عظمت پدرم که آموزگار انسانیتم بود و در دینی کران بر مادر مهربانم که اسوه گذشت و مهربانی در زندگیم می‌باشد و با نثار محبت خالصانه و عشق بی‌پایان به محضر خواهران و برادران عزیزم که همواره در زندگی یاریگر من بوده‌اند و پاس از همسر مهربانم که همواره یار و یاورم بوده و به سرانجام رساندن این پایان نامه مرهمون تلاش‌های بی‌دینش می‌باشد.

چکیده

کشور قطر از سال ۱۹۹۵ میلادی فصلی نوین از حیات کوتاه خود را آغاز نموده است. کشوری که در ادبیات روابط بین‌الملل در زمره کشورهای (قدرت‌های) ذره‌ای دسته‌بندی می‌شود و برجسته‌ترین شاخصه آن همانا بافت قبیله‌ای (با محوریت خاندان آل ثانی) می‌باشد، به نظر می‌رسد مسیری متفاوت از گذشته را در پیش گرفته است. در این نوشتار بررسی عوامل قرار گرفتن قطر از نظر منطقه‌ای در جایگاه فعلی (و در حضور قدرت‌های بزرگی همچون ایران و عربستان سعودی) مورد توجه قرار گرفته است.

با بهره‌گیری از برخی وجوه نظریاتی همچون نئولیبرالیسم، نظریه‌های ارتباطات و نظریه‌های مربوط به نخبگان و در پرتو عواملی همچون افزایش توان اقتصادی در سایه درآمدهای سرشار منابع انرژی به ویژه گاز طبیعی، نوع نگاه و درک حکام قطر نسبت به تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین به پشتوانه شبکه ماهواره‌ای الجزیره و از طرفی همراهی قطر با هژمون جهانی در تحولات منطقه‌ای به نظر می‌رسد قطر طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ میلادی از منظر جایگاه منطقه‌ای توانسته است موقعیت خود را ارتقا بخشیده و خود را به عنوان یکی از کشورهای تأثیرگذار در عرصه تعاملات منطقه حساس خاورمیانه و خلیج فارس مطرح نماید.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	فصل اول: کلیات
۱-۱-۱	بیان مسأله
۱-۲-۱	بیان ضرورت و هدف از تحقیق
۱-۳-۱	پیشینه تحقیق
۱-۴-۱	روش تحقیق
۱-۵-۱	پرسش تحقیق
۱-۶-۱	فرضیه تحقیق
۱-۷-۱	متغیرهای مستقل
۱-۸-۱	متغیر وابسته
۱-۹-۱	سازمان دهی تحقیق
۲۶	فصل دوم: مبانی نظری تحقیق
۲-۱-۲	سطح تحلیل
۲-۲-۲	نئولیبرالیسم
۲-۲-۲-۱	توان اقتصادی و سیاست خارجی
۲-۳-۲	نظریه ارتباطات
۲-۳-۲-۱	جامعه اطلاعاتی (شبکه‌ای)
۲-۳-۲-۲	رسانه و سیاست خارجی
۲-۳-۲-۳	دیپلماسی رسانه‌ای
۲-۴-۲	نظریه نخبگان
۲-۴-۲-۱	نخبگان سیاسی و توسعه
۲-۴-۲-۲	نخبگان و سیاست خارجی
۲-۴-۲-۳	درک نخبگان از جهان
۵۳	فصل سوم: عوامل مؤثر در تحولات داخلی قطر
۳-۱-۳	پیشینه تاریخی
۳-۲-۳	قطر پس از استقلال

۶۲	۳-۳- قطر پس از کودتای ۱۹۹۵.....
۶۳	۴-۳- اوضاع اجتماعی و فرهنگ سیاسی.....
۶۴	۵-۳- مذهب.....
۶۶	۶-۳- قدرت یابی امیر جدید.....
۶۷	۳-۶-۱- تحولات و اصلاحات داخلی.....
۷۳	۳-۷- اقتصاد قطر.....
۷۷	۳-۷-۱- نفت و گاز قطر.....
۸۲	فصل چهارم: عوامل منطقه‌ای و نقش آن در سیاست قطر
۸۵	۴-۱- قطر و عربستان سعودی.....
۸۷	۴-۱-۱- اختلاف پس از سال ۱۹۹۵.....
۸۹	۴-۲- قطر و بحرین؛ از اختلاف تا حکمیت.....
۹۰	۴-۳- قطر و رقابت همسایگان قدرتمند.....
۹۳	۴-۴- قطر و اسرائیل.....
۹۹	۴-۵- جنگ سوم خلیج فارس؛ تثبیت تداوم حضور آمریکا در منطقه.....
۱۰۳	۴-۶- تضاد ایران و آمریکا در منطقه و تأثیر آن بر کشورهای منطقه.....
۱۰۷	۴-۷- قطر و اتحادیه‌های منطقه‌ای.....
۱۰۸	فصل پنجم: تأثیر تحولات نظام بین‌الملل بر سیاست‌های قطر
۱۱۲	۵-۱- جنگ سال ۱۹۹۱ خلیج فارس و "نظم نوین جهانی".....
۱۱۴	۵-۱-۱- نظم نوین جهانی و کشورهای خلیج فارس.....
۱۱۶	۵-۲- ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱؛ تغییر در نظام بین‌الملل.....
۱۱۷	۵-۲-۱- جنگ علیه تروریسم؛ سرآغازی بر یک‌جانبه‌گرایی.....
۱۱۹	۵-۲-۲- طرح خاورمیانه بزرگ و تداوم مبارزه با تروریسم.....
۱۲۱	۵-۲-۳- طرح خاورمیانه بزرگ.....
۱۲۴	۵-۲-۴- تهاجم نظامی به عراق در سال ۲۰۰۳.....
۱۲۶	۵-۲-۵- پیامدهای ۱۱ سپتامبر و طرح خاورمیانه بزرگ در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس.....
۱۳۰	۵-۳- ژئوپلیتیک قطر.....
۱۳۴	فصل ششم: جایگاه منطقه‌ای قطر
۱۳۹	۶-۱- فرصت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی قطر.....
۱۴۵	۶-۱-۱- قطر؛ دیپلماسی اقتصادی.....
۱۴۸	۶-۲- دیپلماسی قطر.....

۱۵۰	۱-۲-۶- افزایش تعاملات منطقه‌ای قطر.....
۱۵۳	۲-۲-۶- دیپلماسی قطر در لبنان.....
۱۵۵	۳-۲-۶- حکام قطر، تحولات نظام بین‌الملل و تأثیر آن در دیپلماسی قطر.....
۱۵۸	۳-۶- الجزیره، پشتوانه سیاست‌های قطر.....
۱۶۲	فصل هفتم: نتیجه‌گیری.....
۱۶۶	منابع و مآخذ.....

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسأله

نام خلیج فارس با عناوینی همچون ساتراپ‌های ایرانی، کوچ قبایل متعدد از سرزمین‌های داخلی شبه جزیره عربستان به جزایر مختلف خلیج فارس، رقابت‌های استعماری، امپراتوری عثمانی، حضور بریتانیا و تحولات پس از جنگ‌های اول و دوم جهانی گره خورده است.

به دلیل اهمیت منطقه خلیج فارس این منطقه از دیرباز مورد توجه قدرت‌های بزرگ آن زمان قرار داشت تا اینکه سرانجام پرتغالی‌ها در حدود سال ۱۵۰۶ میلادی با کشف دماغه امیدنیک، به آب‌های اقیانوس هند و پس از آن به آب‌های دریای عمان و خلیج فارس راه یافتند و این نخستین استیلای یک قدرت خارجی بر این منطقه بود. پس از آن هلندی‌ها و سپس فرانسوی‌ها، بریتانیایی‌ها و روس‌ها قدم به منطقه خلیج فارس گذاشتند. طولی نکشید که منطقه خلیج فارس جزو منافع حیاتی انگلستان به شمار آمد و این کشور روز به روز بر نفوذ خود افزود. به ویژه و با کشف نفت در منطقه، رقابت بر سر تسلط بر منطقه خلیج فارس بین قدرت‌های بزرگ بالا گرفت ولی بریتانیا با استفاده از نفوذ سنتی خود توانست تا مدت‌ها بر منافع منطقه دست‌اندازی کند. بریتانیا که روزگاری به بهانه مقابله با دزدان دریایی و مبارزه با تجارت برده و قاچاق اسلحه به منطقه خلیج فارس لشکرکشی کرده بود، در تمامی سال‌های قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و در سایه قراردادهای متعدد از جمله «قرارداد صلح عمومی» و «قراردادهای ترک مخاصمه» و سرانجام «قرارداد صلح دائمی یا پایدار» بر تمامی مقدرات خلیج فارس و به ویژه شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس مسلط گردد تا جایی که این شیخ‌نشین‌ها حق هیچ‌گونه اقدامی را بدون اجازه بریتانیا نداشتند (به ویژه در زمینه روابط خارجی). تحولاتی که در طی جنگ جهانی اول و به ویژه فروپاشی امپراتوری عثمانی در پایان جنگ اول جهانی به وقوع پیوست خود زمینه تسلط کامل بریتانیا بر اوضاع و احوال این شیخ‌نشین‌ها را فراهم نمود.

هنگامی که در سال ۱۹۶۸ میلادی و به بهانه تعدیل سیاست‌های بریتانیا، این کشور اعلام کرد که تا سال ۱۹۷۱ نیروهای خود را از شرق کانال سوئز (که شامل خلیج فارس نیز می‌شد) خارج خواهد کرد، زمینه‌های استقلال شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس فراهم گردید. یکی از این شیخ‌نشین‌ها که در سال ۱۹۷۱ به استقلال رسید کشور قطر بود.

قطر شبه جزیره‌ای است با مساحت حدود ۱۱ هزار کیلومتر مربع و در واقع ادامه شبه جزیره عربستان است که به صورت زائده‌ای در آب‌های خلیج فارس امتداد یافته است. قطر چه پیش از استقلال و چه پس از استقلال از بریتانیا در سال ۱۹۷۱ به دلایل متعددی مورد توجه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. از جمله این دلایل عبارتند از:

۱. موقعیت جغرافیایی؛ قطر در قلب منطقه خلیج فارس قرار گرفته است و این موقعیت جغرافیایی، دسترسی کشور قطر به هر دو ساحل جنوبی و شمالی خلیج فارس را به آسانی مهیا نموده است. از این نظر شاید فقط بحرین بر قطر برتری داشته باشد.^۱ حال با توجه به اینکه منطقه خلیج فارس از دیرباز مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است، این موقعیت حساس جغرافیایی قطر اهمیت بیشتری به این شیخ‌نشین کوچک بخشیده است. از طرفی با توجه به اینکه تقریباً یک چهارم نفت مصرفی دنیا از منطقه خلیج فارس تأمین می‌گردد، موقعیت ژئوپلیتیکی قطر از حساسیت ویژه‌ای برخوردار گردیده است.

۲. همسایگی با عربستان سعودی؛ عربستان سعودی با وسعتی بیش از ۲ میلیون کیلومتر مربع، همواره یکی از قدرت‌های منطقه خلیج فارس بوده است. حال کشور ذره‌ای قطر که وسعتی صدها برابر کوچکتر از عربستان سعودی دارد باید همواره وجود یک کشور پهناور و قدرتمند را در کنار خود ببیند. علاوه بر آن، سرزمین قطر به صورت زائده‌ای از سرزمین اصلی شبه جزیره عربستان می‌باشد و حتی مردمان

^۱ حسن علوی، کتاب سبز قطر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴، ص ۷.

ساکن این سرزمین نیز از خاندان آل ثانی هستند که خود از قوم بنی عتوب می‌باشند و از سرزمین‌های داخلی عربستان به قطر کوچیده‌اند.^۲ رویاهای عربستان مبنی بر تسلط همه جانبه بر جزیره‌العرب سیاستی است که عربستان سعودی هیچگاه آن را کتمان نکرده است و همواره نارضایتی خود را نسبت به وضع غیرطبیعی سیستم سیاسی امروزه خلیج فارس که آن را میراث سیاست‌های امپراتوری بریتانیا در قرن نوزدهم می‌داند، اعلام کرده است.^۳ همچنین اختلافات مرزی و ارضی عربستان با قطر و درگیری‌های پیش آمده بر سر این اختلافات مرزی، رقابت‌های منطقه‌ای بین عربستان و قطر و اختلاف نظر با عربستان در برخی مسائل منطقه‌ای از جمله مسئله هسته‌ای ایران از دیگر تبعات همسایگی قطر با عربستان سعودی می‌باشد.

۳. همسایگی با ایران؛ ایران یکی دیگر از قدرت‌های منطقه خلیج فارس می‌باشد که از دیرباز نفوذ و تسلط قابل ملاحظه‌ای در منطقه خلیج فارس داشته است. از طرفی ایران در دهه‌های اخیر همواره یکی از بازیگران تأثیرگذار در تعاملات و بحران‌های منطقه‌ای بوده است. نزدیکی قطر به ایران برای موازنه با عربستان سعودی، رقابت گازی در میدان مشترک گازی در جنوب ایران (پارس جنوبی و یا به قول قطری‌ها گنبد شمالی)، درگیر شدن در مسائلی همچون رقابت‌ها و اختلافات ایران و عربستان و همچنین موضوعاتی چون بحث هسته‌ای ایران و همچنین اختلافات گاه و بیگاه قطر با ایران بر سر روابط تجاری دوحه با اسرائیل از دیگر موارد مترتب بر همسایگی قطر با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۴. منابع نفت و گاز؛ یکی دیگر از موارد اهمیت کشور قطر، منابع نفتی و به ویژه ذخایر گازی این کشور می‌باشد. از زمان اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی در قطر در دهه ۱۹۴۰ میلادی این شیخ‌نشین اهمیت دوچندان یافت. همچنین در دهه ۸۰ میلادی با کشف یکی از بزرگترین منابع گاز طبیعی در

^۲ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس (با تأکید بر شیعیان)، تهران، ۱۳۸۷، ص ۴۰.

^۳ اصغر جعفری ولدانی، کانون‌های بحران در خلیج فارس، چاپ دوم، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷، ص ۳۲۰.

جهان و منابع قابل توجه نفت در جزایر مورد اختلاف با بحرین بر اهمیت کشور قطر افزوده شد.^۴ همچنین وجود منابع عظیم نفت و به ویژه گاز موجب توجه روزافزون مصرف‌کنندگان انرژی به کشور قطر گردیده است. در مجموع منابع عظیم نفت و به ویژه ذخایر سرشار گاز موجب رونق سرمایه‌گذاری، توجه به زیرساخت‌های توسعه، و توجه بیشتر به اصلاحات اقتصادی - سیاسی در داخل گردیده است.

کشورهای ذره‌ای حاشیه جنوبی خلیج فارس که در پی خروج بریتانیا از خلیج فارس در سال ۱۹۶۸ زمینه استقلال خود را فراهم می‌دیدند، یکی پس از دیگری به استقلال رسیدند. پس از استقلال اکثر این کشورها روابط سنتی خود با بریتانیا را حفظ نموده و در سال‌های آغازین استقلال خود تحت لوای نام بریتانیا و قدرت جایگزین آن در منطقه یعنی ایالات متحده آمریکا قرار داشتند. کشور قطر نیز جدای از این وضعیت نبود. این وضعیت و روابط نزدیک قطر و دیگر شیخ‌نشین‌ها با قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون بریتانیا و ایالات متحده سبب شد که در خاورمیانه نام این دولت‌های ذره‌ای با عناوینی همچون وابسته، تحت‌الحمایه، بازیچه و دست‌نشانده قدرت‌های بزرگ عجین گردد. این ادبیات و اصطلاحات، سال‌های متمادی سایه‌گستر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و از جمله قطر بوده است.

هرچند در سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۷۰ میلادی اتفاقاتی از جمله واکنش کشورهای نفتی منطقه در مقابل قدرت‌های بزرگ (به عنوان حامیان اسرائیل) باعث گردید تا تئوری بازیچه بودن این کشورها خدشه‌دار گردیده و برخی اظهار عقیده نمایند که "نباید آن‌طور که بسیاری در منطقه خاورمیانه عقیده دارند، فرهنگ بازیچه بودن را تأیید کرد. بدین معنی که افراد و حکومت‌ها بازیچه‌ای بیش در دستان قدرت‌های بین‌المللی نیستند، مفهومی که چنانچه پذیرفته شود منکر هرگونه نقش افراد، حکومت‌ها و دولت‌های محلی گردد"^۵.

^۴ حسن علوی، کتاب سبز قطر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴، ص ۷.

^۵ پیتر اسلاگلت، "جنگ سرد در خاورمیانه"، ترجمه محمدجواد موسوی، در لوئیس فاست، روابط بین‌المللی خاورمیانه، ص ۸۳.

به هر روی شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس که از آنها به عنوان دولت‌های ذره‌ای یا ریزدولت‌ها (به استثناء عربستان سعودی) یاد می‌شود در میان هیاهوی تحولات دوران جنگ سرد و در سایه افزایش قیمت‌های نفت به روند تثبیت و توسعه خود ادامه دادند و برخی از آنان امروزه به عنوان کشورهایی کاملاً فعال در عرصه تعاملات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی (هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی) مطرح می‌باشند.

قطر به عنوان یکی از این شیخ‌نشین‌ها در سال ۱۹۷۱ و پس از اعلام استقلال از بریتانیا با توجه به افزایش قیمت نفت و درآمدهای سرشار نفتی آرام آرام در راه توسعه ساختارهای داخلی خود اعم از ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قدم گذاشت. در ابتدا دوران حکومت شیخ خلیفه بن حمد (پدر امیر فعلی قطر) با چالش‌هایی همراه بود. عمده این چالش‌ها عبارت بود از تسلط سنتی بریتانیا بر امور داخلی کشور قطر، رکود اقتصادی و عقب‌ماندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قطر، حیف و میل اموال از سوی خاندان سلطنتی، تا جایی که در زمان عضویت در شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ قطر یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای حوزه خلیج فارس بود.^۶ از سال ۱۹۹۵ و در پی روی کار آمدن شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی که در پی کودتای بدون خونریزی اتفاق افتاد قطر گام به گام در جهت بهبود وضعیت خود گام برداشته است. در زمینه سیاسی کشور قطر با فعال نمودن دیپلماسی خود تا حد امکان خود را به عنوان یک کشور فعال در سطح تحولات منطقه خلیج فارس و به طور کلی خاورمیانه معرفی کرده است تا جایی که در اکثر بحران‌ها و مسائل منطقه‌ای نقش میانجی را به عهده دارد. در توافق گروه‌های لبنانی، در جریان مذاکرات گروه‌های فلسطینی، در منازعه میان گروه الحوثی و دولت مرکزی یمن، در مسئله هسته‌ای ایران و به طور کلی در اکثر مسائل منطقه‌ای دیپلماسی قطر و دیپلمات‌های آن نقشی فعال ایفا می‌نمایند تا جایی که برخی با اصطلاح "ژنو خاورمیانه" از آن یاد می‌کنند. در زمینه اقتصادی نیز با سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف انرژی از جمله سرمایه‌گذاری در بخش تولید و صادرات گاز مایع (LNG) و توسعه میدان‌های نفتی و گازی به اقتصاد خود تحرک بخشیده است. قطر با حدود

^۶. نیلوفر منصوریان، "قطر قد می‌کشد"، ماهنامه نسیم بیداری، سال دوم، شماره ۱۴، اسفند ۱۳۸۹، ص ۱۰۸.

۱۵ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت در رده چهاردهم رتبه جهانی منابع نفت و از نظر ذخایر گاز نیز پس از روسیه و ایران رتبه سوم جهانی را دارا می‌باشد. همچنین از نظر سرانه تولید ناخالص داخلی، قطر یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان می‌باشد.

قطر در عرصه اجتماعی نیز الگوی خاص خود را در پیش گرفته و سعی می‌کند با ایجاد فضای باز اجتماعی به اهدافی همچون تسهیل جذب سرمایه‌های خارجی دست پیدا نماید.^۷ همچنین در زمینه آموزشی و مسائل مربوط به رسانه‌ها با راه اندازی شبکه تلویزیونی الجزیره به صورت جدی در عرصه ارتباطات به رقابت با قدرت‌های بزرگ در این زمینه پرداخته است.

به نظر می‌رسد قطر با تلفیق توانمندی‌های سیاسی - اقتصادی خود و استفاده از الگوهای موفق در زمینه ارتباطات به عنوان پشتوانه توانمندی‌های سیاسی - اقتصادی قدم در راه جدیدی گذاشته تا جایی که خطمشی فعلی قطر فراتر و توانمندتر از سایر کشورهای حوزه خلیج فارس خودنمایی می‌کند.

حکام قطر با توجه به واقعیت‌های جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی خود همچنین با لحاظ کردن توانایی‌ها و محدودیت‌های خود در عرصه روابط بین‌الملل قدم در راه نوینی گذاشته و سعی دارند الگوی جدیدی از دولت‌های ذره‌ای را در منطقه معرفی نمایند و تئوری سنتی در مورد ریزدولت‌ها مبنی بر منفعل بودن و وابستگی به قدرت‌های بزرگ را به چالش طلبیده‌اند. البته در این راه نباید همکاری و همراهی حاکمان قطر با برخی از خواسته‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای و به ویژه آمریکا را نادیده گرفت ولی به نظر می‌رسد حکام این کشور با تلفیق توانمندی‌های خود و لحاظ کردن واقعیت‌های موجود در عرصه روابط بین‌الملل سعی در بازگشایی فصلی نوین در تعاملات منطقه و بین‌المللی داشته و در این زمینه گوی سبقت را از رقبای بزرگی همچون عربستان و ایران ربوده است.

^۷ معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، "قطر: تحولات داخلی، جایگاه منطقه‌ای"، ۷ اردیبهشت ۱۳۸۹،

به نظر نگارنده قطر با تلفیق عواملی همچون افزایش توان اقتصادی در سایه درآمدهای سرشار انرژی و به ویژه گاز طبیعی، افزایش توان در زمینه ارتباطات و رسانه با توجه به شبکه ماهواره‌ای الجزیره و توأم کردن این توانایی‌ها با دیپلماسی فعال در سطح منطقه‌ای و حتی بین‌المللی همچنین با درک واقعیات حاکم بر نظام بین‌الملل و روابط بین‌المللی و واقع‌بینی در این زمینه از سوی حکام و دولت‌مردان خود، الگوی جدیدی از دولت‌مداری را در منطقه به منصف ظهور رسانده است.

۱-۲- بیان ضرورت و هدف از تحقیق

سال‌ها پیش از اوایل قرن بیستم که اصطلاح خاورمیانه از سوی آلفرد ماهان یا به قولی از سوی روزنامه‌نگار انگلیسی مجله تایمز لندن به کار برده شود و متداول گردد، این منطقه استراتژیک و (ژئو استراتژیک) کانون توجه بازیگران عرصه روابط بین‌المللی بوده است. نگاهی به تاریخ پر فراز و نشیب خاورمیانه بیانگر آن است که در طول چند قرن گذشته این منطقه همواره در معرض فراز و فرودهایی همچون جنگ‌ها و لشکرکشی‌های متعدد بوده است. حضور استعمارگران قدرتمند فرامنطقه‌ای همچون پرتغال، هلند و بریتانیا و امپراتوری‌های منطقه‌ای همچون امپراتوری عثمانی در قرون و سال‌های نه چندان نزدیک گذشته و حضور یک مداخله‌گر قدرتمند همچون ایالات متحده آمریکا در دهه‌های اخیر خود گواهی بر این فراز و نشیب‌های منطقه موسوم به خاورمیانه بوده است. از زمان پس از جنگ دوم جهانی نیز مسئله فلسطین بر اهمیت منطقه خاورمیانه افزوده و این منطقه را در کانون توجهات قرار داده است. صرف‌نظر از حدود و مرزهای خاورمیانه که مورد اختلاف اندیشمندان و صاحب‌نظران در عرصه‌های گوناگون همچون روابط بین‌الملل می‌باشد، اهمیت این زیرسیستم نظام بین‌الملل را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- اهمیت ژئوپلیتیک؛ یکی از عمده‌ترین دلایل اهمیت منطقه خاورمیانه موقعیت ژئوپلیتیک آن است. وجود تنگه‌ها و خلیج‌های متعدد و حساس همچون تنگه هرمز، باب المندب، خلیج عدن، خلیج فارس و غیره که بعضاً از نظر اقتصادی و تجاری به ویژه از منظر راه‌های مواصلاتی تأمین انرژی حائز اهمیت

می‌باشد، خود گواهی بر اهمیت و حساسیت این منطقه از جهان می‌باشد. موقعیت جغرافیایی منطقه و قرار گرفتن در مسیر شاهراه‌های ارتباطی تجاری بین‌المللی بر اهمیت خاورمیانه افزوده است. همچنین منطقه خاورمیانه به مثابه پلی ارتباطی بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند از یک طرف عمل کرده، همچنین تنها راه ارتباطی مستقیم روسیه به اقیانوس هند و دریای مدیترانه می‌باشد.

- منابع نفت و گاز؛ خاورمیانه عمده‌ترین منطقه نفت خیز جهان به شمار می‌رود. این منطقه با داشتن بیشترین ذخیره نفت جهان، در حقیقت سوخت صنعت جهانی را تأمین کرده و به عنوان **موتور محرکه اقتصاد جهانی** عمل می‌نماید. در بررسی خاورمیانه، توجه به نفت اجتناب ناپذیر است. نفت روابط منطقه را با دیگر مناطق جهان به ویژه قدرت‌های بزرگ تحت تأثیر قرار می‌دهد. وجود منابع عظیم نفتی در منطقه خاورمیانه تأثیر قابل توجهی در تثبیت سیستم منطقه‌ای دولت در خاورمیانه داشته است. نفت عامل مهمی در شکل‌گیری دولت‌هایی بوده است که پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی (در خاورمیانه) به‌وجود آمدند^۱. از طرفی و در دهه‌های اخیر با کشف ذخایر عظیم گازی در برخی کشورهای منطقه خاورمیانه (از جمله ایران، قطر، الجزایر و غیره) بر اهمیت این منطقه از نظر ذخایر انرژی افزوده است. قدرت‌های بزرگ با توجه به نیاز روزافزون به انرژی برای به حرکت درآوردن موتور اقتصاد خود، نیاز روزافزونی به منابع نفت و گاز خاورمیانه داشته و بنابراین همین موضوع بر اهمیت این منطقه افزوده است.

- اهمیت هیدروپلیتیک؛ اهمیت هیدروپلیتیکی خاورمیانه از دو دیدگاه قابل توجه است. در یک دیدگاه وجود پهنه‌های آبی همچون خلیج‌ها، دریاها و دریاچه‌های این منطقه که از منظر اقتصادی و نظامی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، باعث اهمیت یافتن منابع و پهنه‌های آبی در خاورمیانه گشته است. آبراه‌های منطقه خاورمیانه از لحاظ کشتیرانی انتقال مواد اولیه و انرژی لازم به کشورهای صنعتی

^۱. جیاکومو لوسیان، نفت و اقتصاد سیاسی خاورمیانه در روابط بین‌الملل خاورمیانه، ترجمه سید محسن علوی پور، در **روابط بین‌المللی خاورمیانه**، لوئیس فاست، ترجمه زیر نظر احمد سلطانی‌نژاد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۱.

دنیا، همچنین دیگر موارد استفاده سیاسی - نظامی و تجاری از عواملی هستند که از منظر هیدروپلیتیک در منطقه خاورمیانه حائز اهمیت هستند.^۹ در دیدگاه دیگری که در مورد منابع آب خاورمیانه رواج دارد باید به کمبود منابع آبی به ویژه آب‌های شیرین اشاره نمود. برخی از صاحب‌نظران، قرن ۲۱ را قرن آب نامیده‌اند. به نظر آنها منازعات جهانی برای استفاده از آب در این قرن شدت خواهد گرفت. پترس عالی دبیرکل پیشین سازمان ملل متحد گفته است: «جنگ‌های آینده خاورمیانه به خاطر نفت نخواهد بود بلکه بیشتر به خاطر آب خواهد بود که پیوسته مقدار آن در این منطقه کاهش می‌یابد».^{۱۰} به نظر می‌رسد مسائل مربوط به هیدروپلیتیک و منابع آبی در منطقه خاورمیانه یکی از زمینه‌های رقابت و کشمکش در میان کشورهای منطقه خواهد بود.

• اهمیت مذهبی - تاریخی؛ یکی دیگر از مواردی که خاورمیانه را در کانون توجهات قرار داده است و همواره در طول قرن‌های متمادی به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم در خاورمیانه از آن یاد می‌شود، اهمیت مذهبی - تاریخی این منطقه می‌باشد. خاورمیانه مهد سه دین بزرگ اسلام، مسیحیت و یهودیت می‌باشد. ارتباطات و پیوندهای میان پیروان این سه دین الهی سیمای ویژه‌ای به منطقه خاورمیانه بخشیده است. از طرفی از بعد مذهبی و ایدئولوژیک مسائلی همچون اسلام سیاسی، رادیکالیسم و بنیادگرایی اسلامی سال‌ها از سوی رسانه‌های عمدتاً غربی همیشه در مورد منطقه خاورمیانه مطرح بوده است. یعنی به طور عام، کل خاورمیانه متصف به سیاسی بودن مذهب می‌باشد.^{۱۱} در حدود ۹۵ درصد جمعیت خاورمیانه را مسلمانان (اعم از شیعه و سنی) تشکیل می‌دهند. به طور کلی در منطقه خاورمیانه مذهب یک عامل هویت‌بخش برای افراد محسوب می‌شود و از جایگاه والایی در میان جوامع برخوردار می‌باشد. همچنین مذهب به عنوان یک عامل مشروعیت

www.Tabnak.ir

^۹ محمد افخمی اردکانی، "اهداف ایالات متحده آمریکا از طرح ایجاد خاورمیانه بزرگ"، به نقل از سایت:

^{۱۰} اصغر جعفری ولدانی، روابط خارجی ایران (بعد از انقلاب اسلامی)، تهران، آوای نور، ۱۳۸۲، ص ۳۸.

^{۱۱} بهجت کرانی، "خاورمیانه از جنگ سرد تا کنون: دویارگی جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی"، ترجمه محمدجواد موسوی، در لوئیس فاست، روابط بین‌المللی خاورمیانه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۱۳۷.

بخش به دولت‌ها در منطقه خاورمیانه عمل نموده است که این خود نشانگر اهمیت روزافزون مذهب در منطقه خاورمیانه می‌باشد.

منطقه خاورمیانه به عنوان یکی از زیرسیستم‌ها در سطح نظام بین‌الملل خود به سه زیرمنطقه مختلف تقسیم می‌شود که عبارتند از :

۱. منطقه خلیج فارس

۲. منطقه شامات (سوریه، اردن، لبنان، اسرائیل و غیره)

۳. منطقه مغرب عربی (لیبی، تونس، الجزایر و مراکش)

هر یک از این زیرمنطقه‌ها به دلیل هماهنگی موجود در پدیده‌های محیطی خود، یک منطقه مشخص و مستقل از دیگر مناطق است.^{۱۲} همچنین هر یک از این زیرمنطقه‌ها از منظرهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک واجد اهمیت بوده و همیشه مورد توجه بوده‌اند. اما در این میان یکی از زیرمنطقه‌های سه‌گانه خاورمیانه که در طی قرون متمادی همواره در کانون توجهات جهانی و بین‌المللی بوده است و بیش از دیگر زیرمنطقه‌های خاورمیانه کانون منازعات و مداخلات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده و از اهمیت بیشتری چه از دیدگاه ژئوپلیتیک و چه از منظر ژئواستراتژیک برخوردار بوده است، زیرمنطقه **خلیج فارس** می‌باشد.

اهمیت منطقه خلیج فارس پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد. این منطقه محل برخورد تمدن‌های بزرگ باستان بوده و قرار گرفتن در چهارراه ارتباطی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا اهمیت آن را بیش از پیش آشکار می‌سازد. گذشتن راه‌های مهم تجاری از این منطقه، عاملی در گسترش تجارت بود، به ویژه تجارت مروارید که اهمیت ویژه‌ای داشت. اندک اندک با ورود استعمار و رقابت‌های جهانی، این منطقه به عرصه تاخت و تاز قدرت‌های جهانی تبدیل شد و این رقابت‌ها حساسیت ویژه‌ای به این منطقه بخشیده است. در طی دهه‌های

^{۱۲} پیروز مجتهدزاده، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون‌شونده، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹، ص ۳۳۴.

ابتدایی قرن بیستم و با کشف نفت در منطقه خلیج فارس این منطقه به یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مناطق جهان در نگرش‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک تبدیل شده است. آری آنچه خلیج فارس را به شاه‌رگ حیاتی جهان تبدیل نموده است، کشف طلای سیاه می‌باشد.^{۱۳}

به طور خلاصه اگر بخواهیم دلایل اهمیت خلیج فارس را در چند مورد بیان نماییم آنگاه باید از مواردی همچون؛ الف) موقعیت جغرافیایی و راهبردی خلیج فارس ب) ذخایر عظیم نفت و گاز، نام ببریم.

الف) موقعیت جغرافیایی و راهبردی خلیج فارس؛ خلیج فارس به لحاظ وضع طبیعی و موقعیت جغرافیایی از دیرباز حائز اهمیت بوده است. از یک طرف خلیج فارس حلقه ارتباطی میان شرق و غرب بوده و از سوی دیگر به دلیل وجود تنگه هرمز که یکی از استراتژیک‌ترین تنگه‌های جهانی است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به نظریات ارائه شده از جمله نظریه هارتلند یا محور زمین **هالفورد مکیندر**، نظریه **ریملند** (سرزمین حاشیه) **اسپایکمن**، نظریه **اس. بی. کهن** مبنی بر «**کمبرندهای شکننده**» که در مورد خاورمیانه و خلیج فارس بود، همچنین اظهار نظر **بوردیس فون لوهازن** در کتاب "امپراتوری‌ها و قدرت: ژئوپلیتیک امروزی" در سال ۱۹۹۶ که از خلیج فارس به عنوان «**مرکز مرکز**» نام برده است، همگی نشان از اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی خلیج فارس دارند.^{۱۴} گذر دو جاده تجاری در روزگاران گذشته یعنی راه زمینی معروف به جاده ابریشم و راه دریایی موسوم به راه ادویه به خوبی نمایانگر اهمیت موقعیت جغرافیایی خلیج فارس می‌باشد. با توجه به اینکه بخشی از حلقه ارتباطی بین دو دریای مدیترانه و دریای سرخ و همچنین دو اقیانوس هند و اطلس را تشکیل می‌دهد، منطقه خلیج فارس از دیرباز مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است و تجار و بازرگانان کالاها را از شرق و جنوب آسیا به خلیج فارس حمل می‌کردند و از آنجا به سواحل مدیترانه و اروپا و بالعکس می‌بردند. از طرفی همان‌گونه که در سطور بالا ذکر شد، وجود تنگه هرمز در خلیج

^{۱۳} مهدی ذوالفقاری، "ژئوپلیتیک خلیج فارس: ایران و آمریکا (تهدیدها و فرصت‌های فراروی جمهوری اسلامی)"، فصلنامه علمی تخصصی انجمن علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۱۵، ۱۳۸۴، ص ۴.

^{۱۴} اصغر جعفری ولدانی، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷، صص ۵-۶.